



نشر کلاغ

چرا این جا روی زمین نشستہ ام...

ژوئل اگلوب

موگہ رازانی

www.ketab.ir

نشر کلاغ

تهران - صندوق پستی ۳۷۴۹ - ۱۴۱۵۵

تلفن - دورنگار: ۸۸۹۹۷۳۹۹

kalaghpublish@gmail.com

چرا این‌جا روی زمین نشسته‌ام... / ژوئل اگلوف / موگه رازانی

/ چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲ / شماره‌گان: ۱۱۰۰ / طراحی و

صفحه‌آرایی: آتلیه نشر کلاغ / طرح جلد: سیده متوسل‌الحق /

چاپ و صحافی: قدس - دالاهو / قیمت: ۶۵۰۰ تومان / حق

چاپ و نشر به هر شکل محفوظ

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۲۹۸۴۹۵

سرشناسه: اگلوف، ژوئل، ۱۹۷۰-م. Eglouf, Joël

عنوان و نام پدیدآور: چرا این‌جا روی زمین نشسته‌ام... / ژوئل اگلوف؛ (مترجم) موگه رازانی

مشخصات نشر: تهران: نشر کلاغ، ۱۳۹۲.

شابک: 978-600-92984-9-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Ce que je fais la assis par terre, c2003.

موضوع: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰م.

شناسه‌ی افزوده: رازانی، موگه، ۱۳۴۲ - ، مترجم

رده‌بندی کنگره: گ/۸ / PQ۲۴۶۵ چ ۴۳۹۲

رده‌بندی دیویی: ۹۱۴/۸۴۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۲۸۲۵۱۰



با برگردانِ موگه رازانی تاکنون انتشار یافته است:

خاطراتِ مُکَلِّ سرخ (زندگی‌نامه‌ی آنتوان دو سنت اگزوپری به قلم همسرش)

کنسوئلو

بدر بزرگ پیکاسو

مارینا پیکاسو

کمدی‌های کیهانی

ایتالو کالوینو

بهت و لرزه

آملی نوتومب

مرکور

آملی نوتومب

شرافتِ بی‌بیلِه

رشید میهنی

هرمان هسه‌ی افسونگر

ژاکلین و میشل سینس

برج ایفل / سنت‌های ژاپنی و هنر آمریکایی / یادداشت‌هایی درباره‌ی لیکنشتاین

انسان‌گرایی انتزاع / فرانسیس بیکن - پیکر به مثابه نقش‌مایه

(از مجموعه‌ی هنرهای تجسمی)

آقا/ابراهیم و مُکَل‌های کتابش

اریک ایمانوئل اشمیت

دنیای شگفت‌انگیز کاغذ

رامین رازانی

سرکیچه

ژوئل اگلوف

ژوئل اگلو (متولد ۱۹۷۰، موزل فرانسه) در رشته‌ی سینما درس خواند و مدتی به عنوان فیلم‌نامه‌نویس و دست‌یار کارگردان کار کرد. اما پس از انتشار نخستین رمان‌اش در سال ۱۹۹۹ یک‌سره به نوشتن پرداخته است. شماری از منتقدان ادبی در فرانسه، او را یکی از بهترین نویسندگان نسل جدید در این کشور می‌دانند.

اگلو از نظر شیوه‌ی نگارش نویسنده‌ی خاص به شمار می‌رود. برخی بر این عقیده‌اند که به استهزاء (burlesque) گرایش دارد و عده‌ی دیگر او را به بوچ‌گرایی (absurd) منتسب می‌کنند. خودش می‌گوید که صفت خاصی برای آثارش در نظر ندارد، اما اگر قرار بر انتخاب میان این دو گرایش باشد، او دومی را ترجیح می‌دهد. چرا؟ پاسخش این است که «شخصیت‌هایم در جهانی رها شده‌اند که از درکشان فراتر است. آنان کوشش می‌کنند راه خروجی بیابند یا دریابند چرا در این جهان هستند. اما نمی‌توانند نتیجه‌ی بگیرند».

در واقع، همان‌گونه که نویسنده خود می‌گوید، پراهمیت‌ترین «ویژه‌گی شخصیت‌هایش این است که ویژه‌گی خاصی ندارند: آن‌ها تا حد ممکن، معمولی‌اند و در مقابل زندگی، دست‌وپا بسته. به عبارت دیگر، آن‌ها توانایی عمل کردن ندارند و اغلب در خیال و وحشت به سر می‌برند. بنابراین، به آن‌چه دارند قناعت می‌کنند». بالین هم، اگلو تأکید می‌کند که این شخصیت‌ها چون خاطره‌یی از چیزهای بهتر ندارند، از آرمان و امید دست کشیده‌اند. اما نویسنده نمی‌خواهد بگوید که «ما انسان‌ها به آن‌چه داریم باید بسنده کنیم». به نظر می‌رسد این

نویسنده‌ی فرانسوی، بیش‌تر، خود را راوی وضع موجود می‌داند، یعنی در پی توصیف است نه تجویز.

رمان *چرا این جا روی زمین نشستهم* داستان شهر و محله‌یی است که با رانش زمین دست‌وپنجه نرم می‌کند. هر روز ترك و حفره‌یی تازه روی دیوار یا زمین ظاهر می‌شود یا ساختمانی فرو می‌ریزد یا کسی در زمین فرو می‌رود. و در کنار این‌ها، باغچه‌یی که فقط به اندازه‌ی کاشتن يك تربچه جا دارد و با فربه‌یی آب دهان آبیاری می‌شود، دوست بی‌خانمانی که به سرنوشت اعتقادی عمیق دارد و قصه‌گوی خوبی است، يك کبوتر دست‌آموز که حاضر نیست پرواز کند و انبوهی از شخصیت‌های رنگارنگ که هر يك به شیوه‌ی خود نسبت به وقایع پیرامون بی‌تفاوت هستند و ناخواسته در آن گرفتار می‌شوند، عناصر داستانی اگلوب را تشکیل می‌دهند.

اگلوب رمان *چرا این جا روی زمین نشستهم* را در سال ۲۰۰۳ نوشت. در آن زمان او در پاریس، به‌طور دقیق‌تر در محله‌ی مون مارتر، سکونت داشت. زمین این محله به دلیل معادن قدیمی گچی که در زیر آن گسترده شده چندان مقاوم نیست. بهره‌برداری از معادن گچ مون مارتر از پایان قرن نوزدهم ممنوع شد و آن‌ها را پُر و ایمن‌سازی کردند. اما به دلیل به‌جاماندن حفره‌ها و دالان‌هایی که دست‌رسان‌پذیر بودند، در قسمت‌هایی از این محله گه‌گاه رانش زمین رخ می‌دهد و باعث ایجاد ترك‌هایی بر روی ساختمان‌های قدیمی یا حفره‌هایی در زمین می‌شود. همین حفره‌ها و ترك‌ها که در واقعیت کم‌اهمیت و بی‌خطر است دست‌مایه‌ی رمان ژوئل اگلوب قرار گرفته است.

شاید موضوع این رمان با توجه به تجربه‌های مختلفی که در داستان‌نویسی به زبان‌های مختلف غربی در قرن بیستم میلادی انجام پذیرفته، بدیع نباشد. اما اغلب منتقدان و خواننده‌گان اگلوب تصدیق کرده‌اند که شیوه‌ی روایت و سبك گفت‌وگوها و نوع تعلیق در داستان‌های او دقیق، غافل‌گیرکننده و تاحدی منحصربه‌فرد است. خوش‌حالم که پس از ترجمه‌ی رمان سرگیجه (نشر کلاغ، ۱۳۹۱) و معرفی نویسنده به خواننده‌گان ایرانی و فارسی‌زبان، ترجمه‌ی حاضر را نیز در اختیار آنان قرار می‌دهم. هر دو کتاب از متن اصلی، یعنی زبان فرانسوی به فارسی برگردانده شده است.

موگه رازانی

مهر ۱۳۹۲